

رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی، هفته گذشته بر اساس محتوای قطعهنامه ماه نوامبر شورای حکام که از او خواسته بود گزارشش جامع از همکاری های ایران در حوزه تعهدات پادمانی ارائه دهد، گزارش محرمانه خود را برای ۲۵ عضو شورای حکام ارسال کرد. جزئیات این گزارش به سرعت از سوی برخی از خبرگزاری ها و خبرنگاران که دسترسی های ویژه ای در آژانس دارند برای عموم منتشر شد. سه کشور اروپایی بلافاصله پس از دریافت این گزارش، تلاش هایباری صدور یک قطعهنامه محکومیت علیه ایران را شروع کردند. لورنس نورمان، خبرنگار وال استریت ژورنال در بروکسل، مدعی شده است که آمریکا هم در نگارش و ارائه این قطعهنامه مشارکت خواهد داشت.

بر اساس این گزارش رافائل گروسی، مدیر کل آژانس مدعی شده است که ایران در سال های قبل از ۲۰۰۳ در چهار مکان ادعایی، فعالیت هایی هسته ای را با مواد اعلام نشده انجام داده است. چنین گزارشی، هر چند مربوط به بیش از دو دهه قبل باشد، بهانه ای به قدرت های غربی است تا ایران را به عدم اجرای تعهداتش بر اساس NPT متهم کنند. موضوع چهار مکان اعلام نشده، که تاکنون دست کم پرونده یک مورد آنها در همکاری های ایران و آژانس حل و فصل شده است، مربوط به یافته هایی است که از اسناد ادعایی سرقت شده از ایران، توسط اسرائیل در اختیار مدیر کل آژانس قرار گرفته است.

ایران آمادگی خود را برای حل و فصل این اختلاف پادمانی و پاسخ مستدل به سوالات آژانس اعلام کرده است و گزارش های متعدد آژانس در این مورد را با اهداف سیاسی توصیف می کند. گزارش محرمانه اخیر گروسی، باعث خشم تهران شد. کاظم غریب آبادی، معاون حقوقی و بین الملل وزیر امور خارجه در بیانیه ای در واکنش به این گزارش نوشت: «آژانس و برخی کشورهای خاص به دنبال ایجاد یک پرونده ساختگی باحیای ادعاهای اثبات نشده گذشته، و البته مخومه شده، برای جمهوری اسلامی ایران هستند.» بر اساس جزئیات منتشر شده از گزارش محرمانه گروسی، اگر در بخشی از آن ادعا شده است که ایران بیش از سال ۲۰۰۳ «برنامه ساختمند ادعا نشده ای» داشته است، اما تأکید می شود: «آژانس هیچ شافنه معتبری از وجود یک برنامه هسته ای ساختمند اعلام نشده جاری در ایران ندارد.»

این اقرار آژانس بر فقدان هرگونه برنامه اعلام نشده و مخفیانه در ایران نشان می دهد که تلاش کشورهای غربی برای محکومیت ایران در شورای حکام آژانس، بر مبنای اختلافات پادمانی باقیمانده از بیش از ۲۲ سال پیش است و ارتباطی با فعالیت های جاری هسته ای ایران ندارد. با این حال به لحاظ حقوقی، اگر ایران نتواند جواب قانع کننده ای به اتهام زنی های آژانس بدهد، شورای حکام می تواند مانند سال ۲۰۰۶ بار دیگر پرونده ایران را به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارسال کند. لورنس نورمان، خبرنگار وال استریت ژورنال گزارش داده است که قطعهنامه تهیه شده از سوی طرف های غربی «فعلا» قصد ارسال پرونده ایران به شورای امنیت را ندارد، اما اقدامات ایران را محکوم می کند و از ایران می خواهد که فوراً برای حل و فصل این سوالات با آژانس همکاری کند.

ارسال پرونده ایران به شورای امنیت می تواند آسیب اساسی به مذاکرات جاری میان ایران و آمریکا در مورد پرونده هسته ای وارد کند. ایران هنوز جواب خود را به پیشنهاد مکتوب ایالات متحده آمریکا که هفته پیش توسط وزیر خارجه عمان به تهران آورده شد، نداده است. گزارش ها به نقل از منابع آگاه ایرانی در رسانه ها حاکی از این است که ایران از این پیشنهاد رضایت ندارد. اما ممکن است تهران پاسخ به این پیشنهاد را تا پس از جلسه شورای حکام به تعویق بیندازد و با ارزیابی رفتار طرف های غربی در جلسه شورای حکام، پاسخ خود را به این پیشنهاد تنظیم کند. صدور قطعهنامه محکومیت، یا فراتر از آن ارسال پرونده ایران به شورای امنیت، به بهانه چند مساله باقیمانده از بیش از دو دهه پیش، ایران را بیش از پیش به طرف های غربی بی اعتماد خواهد کرد. استفاده از اهرم محکومیت در شورای حکام، اهرم تازه ای در کنار ساز و کار حل اختلاف پرجام (مشهور به مکانیسم اسب یک یا مکانیسم ماشه که در اختیار سه قدرت اروپایی قرار می دهد که با تهدید ایران به تحریم های شورای امنیت سازمان ملل، خواستار گرفتن امتیازهای بیشتر از تهران در مذاکرات هسته ای شوند. باتو که به اینکه ایران بارها اعلام کرده است که تحت فشار حاضر به توافق نیست، اینگونه اعمال فشارها باعث پیچیده تر شدن و سخت تر شدن روند مذاکرات و سردتر شدن روابط ایران و اروپا، که در سردترین وضعیت خود در چهار دهه گذشته قرار دارد، خواهد شد. تصمیم های سه قدرت اروپایی و آمریکا در جلسه هفته آینده شورای حکام، می تواند اثرهای مثبت یا منفی تعیین کننده ای بر نتیجه مذاکرات ایران و آمریکا داشته باشد.

علی نجفی توانا در گفت وگو با «آرمان ملی»:

ریشه تکرار جرم در ایران در بحران های اقتصادی است



بسیاری از بزه کاران قبلاً قربانی خشونت بوده اند



آرمان ملی- احسان اسقایی: یازهم یک حادثه نامیمون و نامبارک برای یکی از دختران این جامعه و این بار قرعه به نام دختری به نام الهه حسین نژاد افتاد. ظاهراً و سوار تاکسی می شود تا به خانه خود برود. در مسیر راننده متوجه گوشی گران قیمت او می شود و در دگریری بین قاتل و خانم حسین نژاد، او به علت ضربات متعدد چاقو فوت می کند و چند روز بعد با رسانه ای شدن این حادثه فرد قاتل پیدا شده و به جرم صورت گرفته توسط خود اعتراف می کند. امروز جامعه در انتظار مجازات اوست اما سؤالی که در اینجا به وجود می آید این است که با مجازات سختی که در انتظار قاتل این بانوی ایرانی است آیا دیگر شواهد تکرار جرم خصوصاً جرم های موجب آزار و اذیت علیه بانوان

ایرانی نخواهیم بود؟ پاسخ منفی است و احتمالاً همین لحظه که این روزنامه

و این مصاحبه خوانده می شود جرمی علیه یکی دیگر از بانوان در حال رخ

دادن است که شاید هیچ گاه عامل آن کشف هم نشود. از این منظر باید به

صورت ریشه ای به بررسی علت های وقوع علیه زنان کشورمان پرداخت

و بررسی کرد که چرا در این حد و اندازه در کشور ما با وجود آموزه های دینی

علیه بانوان جرم های خطرناک از تعرض های کلامی تا تعرض جسمی و جنسی

صورت می گیرد. «آرمان ملی» برای بررسی این موارد و به بهانه قتل خانم الهه

حسین نژاد با دکتر شناس و رئیس سابق کانون وکلای گفت وگو

کرده که در ادامه می خوانید.



دزدان فرصت، دزدان حق تقدم چه با
موتورسیکلت چه با اتومبیل، اگر فرصت
پیدا کنند مال شمار می دزدند و به نوامیس
تعرض می کنند. این سخن بر اساس
داده های بسیار قوی اظهار می شود



هستند. بسیاری از زنان جامعه در محیط کار مورد تعرض جنسی از نوع کلامی قرار دارند.



چرا این خشونت ها خصوصاً خشونت علیه زنان در جامعه رخ می دهد؟

در مطالعاتی که در طول ۴۰ سال گذشته به عنوان یک محقق و دانشجو و معلم در مورد این نوع از خشونت ها انجام داده ام به این نتیجه رسیده ام که بسیاری از خشونت گران، قاتلین متجاوزات جسمی و جنسی و پرخاشگران کلامی افرادی هستند که خود قبلاً قربانی خشونت شده اند و خشونت پذیری در آنها موجب تشکیل شخصیتی دوگانه شده که در موارد با جوشش انگیزه های درونی فردی که قربانی قتل خشونت شده تبدیل به فردی خشن و جانی می شود فردی که در زمان ارتکاب جرم با فراموش کردن تمامی نتایج زیان بار و یا واکنش های اجتماعی در یک حالت خاص روحی و روانی و شاید در چارچوب اختلال روانی مشکوک دست به جنایت می زند و سپس پشیمان می شود.

آن گونه که در رفتار قاتل خانم حسین زاده می بینیم که احساس شرمندگی کرده و می گوید نمی دانم چه شد یعنی به دلیلی شرایط خاص اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این فرد که مخارجش را از مسافرتی تأمین می کرده و شکلی نداشته و خود قربانی شرایط بوده، دست به ارتکاب جرم زده است. اگر از منظر اجتماعی و روانشناسی قاتل خانم حسین نژاد مورد مطالعه قرار بگیرد رگه هایی از قربانی شدن را می توان در گذشته اش دید.

به عبارت روشن تر ما معتقدیم همه مجرمین قبل از اینکه مرتکب جرم شوند قربانی ارتکاب جرم بوده اند.



پس شما دلایل ارتکاب این جرم را فراتر از قصد او بری آزادی و مقاومت خانم حسین نژاد می دانید؟

دلایل این حادثه و حوادث مشابه کاملاً روشن است. با یک آسیب شناسی، مسئولین قضایی کشور و همچنین نیروهای انتظامی و مراکز مطالعاتی در مجلس به خوبی می توانند دریابند که یک رابطه سببی و علتی بسیار قوی نظیر شرایط گذشته مرتکبین جرم با ارتکاب جرم وجود دارد؛ بنابراین نمی توان تنها از بزه دیدگان و خانواده های آنها حمایت کرد.

باید به مسئولین کشور گفت اگر در جامعه ای جرم افزایش پیدا می کند به قواعد فقهی باید توجه کرد که کاد الفکران یکنون کفرا، لذا فقر و فساد و تبعیض جرم آفرین است.

به ویژه که از نظر روانشناسی وقتی در طول زندگی گذشته خود قربانی بی عدالتی می شوند و کمبودها را حس

زمانی که وضعیت اقتصادی دچار وخامت می شود و درآمد افراد تقلیل پیدا می کند، نئورم فرونی بیکاری می کند و سفرها تنگ تر می شود، میل به قانون شکنی بیشتر خواهد شد

سید جلال ساداتیان مطرح کرد

احتمال رسیدن به توافق نیم بند
با آمریکا



یک تحلیلگر مسائل بین الملل در رابطه با ارزیابی خود از پیشنهادهای اخیر آمریکا به ایران و احتمال به توافقی موقت در روند مسقط اظهار کرد: در ابتدای امر صحبت این بود که شاید آنها بخواهند راجع به هسته ای، بردموشکی و مسائل منطقه صحبت کنند برای همین در دور دوم، در رم توافق کردند که صرفاً روی مسائل هسته ای تمرکز شود.

در یکی دو دور از گفت وگوهایی که اتفاق افتاد، فشاری که نتانیاهو و تیم طرفدار او در داخل آمریکا موسوم به آیکب وارد کردند، باعث شد که ترامپ و وینکاف اظهارات دیگری را مطرح کنند، دال بر این که غنی سازی صفر درصد باید شرط توافق باشد. به نظر می رسد این درخواست آمریکایی ها بیشتر یک بهانه ای بود که از طرف صهیونیست ها به ترامپ تحمیل شد برای این که او را وادار کنند تا مذاکرات به هم بخورد، زیرا آنها می دانستند که ایران زیر بار غنی سازی صفر درصدی نخواهد رفت. سید جلال ساداتیان گفت: ایران در قبال این بحث، مسئله را به این شکل مطرح کرد که شما مشکلاتان چیست؟ اگر مشکل شما بحث سلاح هسته ای است، ما به اندازه کافی اعتماد های لازم را خواهیم داد. مثلاً اینکه راضی می شویم اورانیوم غنی شده ۶۰ درصدی را انتقال دهیم، حتی مطرح شد که به روسیه منتقل شود اما روسیه نپذیرفت.

همچنین ایده اینکه کنسرسیوم منطقه ای اتفاق بیفتد را هم پذیرفتیم. باز آنها همین کنسرسیوم را به ایران پیشنهاد کردند، منتها با این شرط که تولید در خارج از ایران اتفاق بیفتد. ایران که نمی تواند تولید را خارج از خاک خودش انجام دهد، پس گفته شد که ما قبول نداریم، ولی کنسرسیوم به شکل دیگری می تواند وجود داشته باشد و بازرسی های شبانه روزی آژانس هم صورت بگیرد تا این شفافیت به شما منتقل شود که بفهمید ما فقط به دنبال مصارف صلح آمیز هستیم. سفیر سابق ایران در انگلیس با اشاره به پیشنهاد اخیر که توسط عمان و از سوی واشنگتن به دست تهران رسیده است، عنوان کرد: اکنون در این مقطع زمانی، اینکه وزیر خارجه عمان طرح آمریکایی ها را آورده بود، ناظر بر همین امر است که ما تا اینجا قضیه را پیش آمده ایم ولی ایران باید غنی سازی صفر درصدی را بپذیرد.

ایران هم می گوید مگر در دوره قبل از انقلاب یک کنسرسیومی شکل نگرفت که غنی سازی ایران را راه اندازی کنند؟ از سوی فرانسوی ها شرکتی آمد و کاری انجام نداد، این موضوع در مقاطع مختلف مثل سال ۲۰۰۶ هم مطرح شده است.

ایران حرفش این است که من آن چه را که شما برای اعتماد سازی لازم دارید به شما می دهم، اما دلیلی ندارد که من غنی سازی را به خارج از ایران منتقل کنم و بعد دست گذاری بخواهم دراز کنم که بخواهم نیاز خود را تأمین کنم. وی با بیان اینکه نگرانی طرف آمریکایی این است که هرگاه ایران اراده کند، می تواند تکنولوژی خود را به غنی سازی با درصد بالاتر ارتقا دهد، اظهار کرد: این حرف بی راهی نیست ولی ایران این همه هزینه داده است و اکنون دیگر برای ما موضوع هسته ای حیثیتی است.

ایران با استدلال هایی که دارد این پیشنهاد آمریکا را رد کرده است و به احتمال زیاد، چون ترامپ دنبال جنگ نیست، به یک راه حل طرفینی برسند. یعنی رضایت به این بدهند که ایران غنی سازی داخل کشورش را داشته باشد، منتها مثلاً کنترل ها و نظارت ها بیشتر شود.

این کارشناس ارشد روابط بین الملل در خصوص اقدامات اخیر اروپایی ها در جهت دخالت در پرونده هسته ای ایران بیان کرد: یک طرف ما جرآن چیزی است که اروپایی ها به دنبال می شود و اروپایی ها هم به دنبال یک چنین امتیازاتی برای خودشان هستند تا یک خوب بین مسئله غنی سازی ایران و موضوع اوکراین در روابط خودشان برقرار کنند.

اینجا نگرانی این است که آقای ترامپ با روسیه بر سر اوکراین به توافق برسد و اروپایی ها را تحت فشار قرار دهد و آنها مکانیزم ماشه را به عنوان یک چماق بر سر ایران نگه داشتند تا بتوانند باالانسی برقرار کنند که هم منافشان تأمین شود و هم مسئله اوکراین را به نوعی حل کنند.

ترامپ در بن بست

ساداتیان با تأکید بر این نکته که نباید انتظار حل ریشه ای تمامی مشکلات را در این مقطع زمانی داشته باشیم، تصریح کرد: احتمال اینکه بتوانیم به یک توافق نیم بند و موقت برسیم یعنی به توافقی که از این شرایط عبور کنیم، وجود دارد. آقای ترامپ هم موقعیتش خیلی خوب نیست، همین صهیونیست ها خیلی به او حمله کرده اند. چون آن سه مطلبی که مطرح کرده بود، مسائل هسته ای ایران، مسائل منطقه و ما اوکراین بود که حالا می خواهد به این برسد، به علاوه تعرفه هایی را هم با اروپا مطرح کرده است که تقریباً در همه این ها فعلاً بن بست صفر درصدی شده است و در هر موضوعی که مطرح کرده با مشکلاتی مواجه شده است.

وی بیان کرد: ترامپ بحث تعرفه های ۲۵ درصدی را با اروپا مطرح کرد با چین هم مطرح کرد که ثمره آن تقابل چین بود. ایران هم مقابله کرده است و سر مسئله الحاق کانادا و گرلند هم عقب نشینی کرده است.

آقای ترامپ تمرکز خود را بر مسائل منطقه ما گذاشته که به نظر می رسد سهل الوصول تر باشد ولی اکنون به نظر می آید که با این پیشنهادهای غنی سازی صفر درصدی به سمت بن بست جدی حرکت می کند البته بعید می دانم که ترامپ اجازه دهد چنین اتفاقی بیفتد. احتمالاً به این سمت خواهد رفت که لا اقل اینجا را به نوعی به توافقی برساند.